

تبیین الگوی رهبری تحول‌آفرین و مدیریت تجدیدشونده با رویکرد آینده‌پژوهی تعبیری به مضامین فرهنگ و عرفان ایرانی

رهنما فرید^۱، داود کیا کجوری*^۲، محمد جواد تقی پوریان^۳، سعید اسلامی^۴

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>رهبری سازمان از مباحث مهم و دارای تنوع و پیچیدگی در حوزه سازمان و مدیریت به شمار می‌آید. در آینده‌پژوهی تعبیری با استدلال استعاری، هدف پیش‌بینی نیست بلکه بصیرت یافتن است. از آنجایی که هر استعاره پردازشی جدید درباره سازمان و رهبری، باعث می‌شود که علاوه بر اتخاذ نگاهی جدید به پدیده سازمان، کنشی متناسب با آن و افق‌های جدید برای رهبری و اداره آن تجلی و ظهور یابد، این پژوهش بر اساس روش کیفی- کمی با رویکرد توصیفی- تحلیلی تلاش دارد که از مضامین و مفاهیم غنی و مهم همانند «جشن نوروز» و «فرشکرد» که از فرهنگ ایران باستان نشأت می‌گیرند، در استعاره پردازشی مفاهیم رهبری تحول‌آفرین و مدیریت تجدیدشونده استفاده شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مطابق با مفهوم اوستایی «فرشکرد» و نوزایی و تجدید حیات طبیعت در بهار، سازمان‌ها و افراد نیز بایستی به احیاء و تجدیدقوا بپردازند. لذا استعاره پردازشی رهبری تحول‌آفرین بهاری و مدیریت تجدیدشونده مبتنی بر مضامین ایرانی «نوروز»، «انارام و ققنوس» و «فرشکرد» می‌تواند مبتنی بر مضامین ایرانی و الگویی بومی مورد استفاده قرار گیرند.</p>	<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>شاپا الکترونیکی: ۴۵۶۵-۲۷۸۳</p> <p>شاپا چاپی: ۹۷۷۵-۲۰۰۸</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵</p> <p>واژه‌های کلیدی:</p> <p>آینده‌پژوهی تعبیری، رهبری تحول‌آفرین، مدیریت تجدیدشونده، جشن نوروز، فرشکرد</p>

لطفاً به این مقاله استناد کنید: فرید، رهنما، کیا کجوری، داود، تقی پوریان، محمد جواد، اسلامی، سعید. (۱۴۰۰). تبیین الگوی رهبری تحول‌آفرین و مدیریت تجدیدشونده با رویکرد آینده‌پژوهی تعبیری به مضامین فرهنگ و عرفان ایرانی. *مطالعات رفتاری در مدیریت*. ۱۲(۲۸): ۱۰۵-۱۲۷. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.20089775.1400.12.28.7.7>

	Creative Commons: CC BY-SA 4.0	 http://dorl.net/dor/20.1001.1.20089775.1400.12.28.7.7
ایمیل: davoodkia@iauc.ac.ir	* نویسنده مسؤؤل: داود کیا کجوری	ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۱. دانشجوی دکتری گروه مدیریت دولتی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. rahnamafarid2@gmail.com
۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
۳. استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. mj.pourian@iauc.ac.ir
۴. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. eslameesaeeed44@gmail.com

مقدمه

آینده‌اندیشی حلقه مفقوده مدیریت و رهبری است. نقش‌های سه‌گانه مدیریت، آینده‌اندیشی و رهبری در تمامی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کسب و کار قابل تعمیم است. آینده‌اندیشی در ارتباط رهبری و مدیریت، دارای نقش هم‌راستا ساز و همگرا ساز است (کرامت زاده، ۱۳۹۵).

در آینده‌پژوهی تعبیری، هدف پیش‌بینی نیست؛ بلکه بصیرت یافتن است و در این پژوهش برای این مهم، از استدلال استعاری استفاده می‌شود. استعاره‌های مفهومی در قلمرو زبان‌شناسی شناختی عبارت‌اند از الگوبرداری نظام‌مند بین عناصر مفهومی یک حوزه از تجربه بشر که ملموس و عینی است بر روی حوزه دیگری که معمولاً انتزاعی‌تر است؛ یعنی حوزه و نقش آن در رهبری و مدیریت، با توجه به الگو و فرهنگ بومی ضرورت خود را بیشتر نشان می‌دهد.

نوروز و آغاز سال نو، نماد تحول و تجدید حیات طبیعت و جان‌های آدمیان است و آغاز روزگاری نو را نوید می‌دهد که آنچه پیش از آن در سرمای سخت زمستان، سرد و بی‌جان گشته، دوباره جوانه‌زده و حیات جدید خود را با شروعی دوباره از سر می‌گیرد. چنان چه عطار نیشابوری از جوان شدن جهان در نوروز سخن می‌گوید و در راه افتاده را پند می‌گوید که باید راه را از سر بگیرد و دوباره برخیزد.

جهان از باد نوروزی جوان شد

زهی زیبا که این ساعت جهان شد

چه می‌جویی به نقد وقت خوش باش

چه می‌گویی که این یک رفت و آن شد

یقین میدان که چون وقت اندر آید

تو را هم می‌باید از میان شد

چو باز افتادی از ره، ره ز سر گیر

که همراه دور رفت و کاروان شد

(عطار نیشابوری، پند نامه، ۱۳۸۴، غزل ۲۵۸)

حدیثی از پیامبر اسلام (ص) می‌گوید «غنیمت شمارید باد بهاری را که با کالبدهای شما آن می‌کند که با درختان شما و پرهیزید از سرمای خزان که با کالبدهای شما آن کند که با درختان شما». مولوی با اشاره به این حدیث و معنای آن، بهار طبیعت را همچون عقل و جان انسان‌های کامل می‌داند که موجب تحول و دگرگونی جان آدمیان می‌گردد:

عقل و جان عین بهار است و بقاست

آن خزان نزد خدا نفس و هواست

چون بهار است و حیات برگ و تاک

پس به تأویل این بود کانفاس پاک

(مولوی، مثنوی معنوی، ۱۳۷۸، دفتر اول، ابیات ۲۰۴۶-۲۰۵۹)

با وجود گستره و عمق مفاهیم متعددی که در رابطه با نوزایی و تولد دوباره در حکمت باستانی ایرانی و ادب فارسی وجود دارد، تلاش برای استعاره پردازی سازمان و رهبری مبتنی بر مضامین غنی همانند نوروز، یلدا، آتش و ققنوس، فرشکرد و نوزایی می‌تواند در نظریه پردازی و تبیین ویژگی‌های مدیریت و استعاره پردازی سازمان مبتنی بر مضامین بومی مورد استفاده قرار گیرد. (جدول ۱)

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از دید هدف، کاربردی، از نظر ماهیت، توصیفی و از نظر روش، کیفی-کمی و اکتشافی-پیمایشی است. گام اول این پژوهش بر مبنای رویکرد کیفی به روش آینده‌پژوهی تعبیری با استدلال استعاری است. «آینده‌پژوهی» یکی از شاخه‌های فناوری نرم می‌باشد که هدف آن، تولید روشمند دانش راهنما و استفاده بیشتر از ملاحظات آینده محور در فرایند تصمیم‌گیری می‌باشد (برومپیچ، ۱۳۸۷: ۱۱). به عبارتی دانش و معرفت «شکل بخشیدن به آینده‌ای مطلوب به گونه‌ای آگاهانه»

جدول ۱: مروری بر پیشینه تحقیق

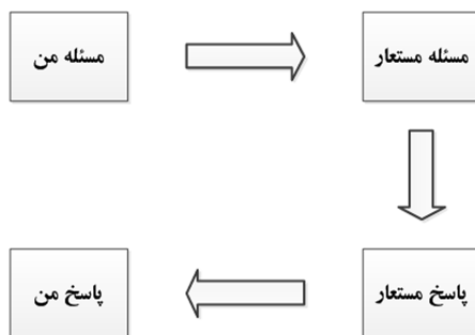
محقق	عنوان	یافته
فاضلی، قادر (۱۳۸۱)	رهبری و رهروی در منطق الطیر	این پژوهش تلاش دارد تا مفاهیم سیاست، رهبری و پیروی را از زبان برندگان در منطق الطیر بررسی نماید. لذا رابطه رهبری و رهروی را مورد نظر قرار می‌دهد و نقش هدهد را به دلیل داشتن صفاتی که او را لایق‌تر از سایر مرغان برای رهبری و هدایت می‌سازد برجسته می‌نماید.
رودگر، محمدجواد (۱۳۸۸)	استاد و راهنما در عرفان	این پژوهش پیرامون نقش و ضرورت استاد سلوکی و راهنمای راه معنوی در طی مقامات و سیر و سلوک عرفانی است که استاد را به دو قسم الف) استاد خاص ب) استاد عام تقسیم می‌نماید. پس از آن در خصوص شرایط علمی و عملی استاد و راهنما، ویژگی‌های مرید و شاگرد طریق الهی و فواید و محاسن داشتن استاد خبیر، فانی فی‌الله، مجتهد و فقیه در شریعت و عنایات انسان کامل معصوم بحث و بررسی کرده است.
گوموسلو گلو و همکاران (۲۰۰۹)	رهبری تحول‌آفرین؛ خلاقیت و نوآوری سازمانی	در این مطالعه مدلی بر اساس تأثیر رهبری تحول‌گرا بر خلاقیت پیروان در سطح فردی و نوآوری در سطح سازمانی ارائه شده است که نتایج حاصل از آن نشان می‌دهد که رهبری تحول‌آفرین تأثیرات مهمی در خلاقیت در سطح فردی و سازمانی دارد. در سطح فردی نتایج مدل خطی سلسله مراتبی نشان می‌دهد که بین رهبری تحول‌گرا و خلاقیت کارکنان رابطه مثبت وجود دارد.
پورعزت و همکاران (۱۳۹۳)	سازمان به‌مثابه ققنوس	استفاده از انگاره ققنوس برای ادراک رفتار سازمان در مواجهه با مرگ و فرسایش و قابلیت نسبی آن برای توضیح برخی از وجوه رفتاری و ساختاری سازمان بررسی شده است که در آن ویژگی «تمایل سازمان به خود پیرایی و نوسوندگی، برای استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود» با نگاهی استعاره‌ای و دوراندیشانه به پدیده

محقق	عنوان	یافته
		استهلاک و مرگ، در کانون توجه قرار گرفته است.
خاکی، غلامرضا (۱۳۹۷)	مدیریت تحول با رویکرد هم بالی (آموزه‌هایی از شیوه رهبری هدهد در منطق الطیر عطار)	بر پایه سیر گفتگوهای متقابل هدهد با مرغان در منطق الطیر، نقش‌های رهبرانه گوناگونی برای هدهد در گذار به سوی سیمرخ در نظر گرفته و تلاش نموده آموزه‌هایی از شیوه رهبری هدهد در منطق الطیر را برای مدیریت تحول معنوی منابع انسانی در سازمان‌های امروزی استخراج نماید.
زارع و همکاران (۱۳۹۷)	رابطه بین رهبری تحول آفرین با اشتیاق کاری در پرستاران	بر اساس این مطالعه روابط مثبت و معنی‌داری بین ابعاد رهبری تحول آفرین از جمله نفوذ آرمانی، انگیزش الهامی، برانگیختگی عقلانی و ملاحظه فردی با حیطه‌های اشتیاق به کار (نیرومندی، وقف، جذب) وجود دارد.

(ملکی فر. ۱۳۸۵:۷) و بررسی نظام‌مند آینده‌های ممکن و دارای رجحان برای وقوع و همچنین جهان‌بینی‌ها و پشتوانه‌های اساطیری هر آینده است (عنایت اله. ۲۰۰۷).

در آینده‌پژوهی تعبیری، هدف پیش‌بینی نیست؛ بلکه بصیرت یافتن است. حقیقت نسبی فرض می‌شود و زبان و فرهنگ دوشادوش هم در خلق جهان واقعی مشارکت دارند (عنایت الله، ۲۰۰۷)؛ بنابراین مضامین غنی و مهم همانند «جشن نوروز» و مفاهیم مربوط به «انارام و ققنوس» و «فرشکرد» که از فرهنگ باستانی ایران نشأت می‌گیرند در تبیین آینده‌پژوهی تعبیری آینده‌های محتمل و ممکن می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

استعاره‌های مفهومی در قلمرو زبان‌شناسی شناختی عبارت‌اند از: «الگوبرداری نظام‌مند بین عناصر مفهومی یک حوزه از تجربه بشر که ملموس و عینی است، بر روی حوزه دیگری که معمولاً انتزاعی‌تر است». استدلال استعاری و استعاره پرداز، حاصل فرآیندی است که در آن جنبه‌های یک پدیده به پدیده دیگر منتقل می‌شوند و از پدیده دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است. به عبارتی استعاره‌ها را می‌توانیم توصیفی بدانیم که از طریق تشبیه یک پدیده به پدیده‌ای دیگر که با هم دارای وجوهی مشترک هستند، به روشن شدن ذهن ما کمک می‌کنند (حمیدی، حافظی، حاج سید تقی، ۱۳۹۲). چنانچه در شکل ۱ مشاهده می‌گردد تفکر استعاری فعالیتی نظام‌مند است که با ترتیبی نسبتاً معین اجرا می‌گردد تا به استدلال، حل مسئله، تجزیه و تحلیل محیط، پرورش یک موضوع و بررسی حالات مختلف آن یا اهداف مطلوب دیگر برسد.



شکل ۱: فرآیند تفکر استعاری (عابدی، ۱۳۸۹)

بنابراین در گام اول با روش آینده‌پژوهی تعبیری با استدلال استعاری تلاش می‌شود مؤلفه‌های تحول‌خواهی و تجدیدشوندگی با رویکرد فرهنگ غنی ایرانی و کهن‌الگوهای موجود استخراج شود. این گام در سه مرحله انجام می‌شود:

۱) هرمنوتیک معنوی و تأویل زبان نمادین و استعاری: رویکرد هرمنوتیک معنوی معادل تأویل در حکمت الهی و خروج از غربت غربی وجود و اشراق معرفت از طریق کشف المحجوب و کنار زدن حجاب‌ها و پرده‌ها برای رسیدن به حقیقت باطنی است. برای بیان آنچه بیان ناپذیر می‌باشد ادب عرفان ایرانی از زبان نمادین و استعاری استفاده می‌کند که برای فهم باطن آن، از روش تأویلی یا هرمنوتیکی معنوی استفاده می‌شود.

۲) بر مبنای رویکرد کیفی با روش آینده‌پژوهی تعبیری^۲ با استدلال استعاری و استعاره پردازی می‌باشد به صورتی که با تبیین آینده‌پژوهی آینده‌های محتمل و ممکن رویکرد ایرانی مبتنی بر مضامین تحول‌خواهی و تجدیدشوندگی همگام با تحولات علم مدیریت دولتی مورد توجه قرار می‌گیرد. آینده‌اندیشی در ارتباط رهبری و مدیریت، دارای نقش هم‌راستا ساز و همگرا ساز است.



شکل ۲: ارتباط آینده‌اندیشی، رهبری و مدیریت (کرامت زاده، ۱۳۹۵)

۳) استعاره پردازی: آن دسته خاصی از فرآیندهای زبانی می‌باشد که در آن جنبه‌های یک پدیده به پدیده دیگر منتقل می‌شوند و از پدیده دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است. در این پژوهش با تأکید بر استدلال استعاره‌ای با رویکرد کیفی و اکتشافی تلاش بر بیان این موضوع مهم می‌باشد که از مضامین غنی و مهم همانند «جشن نوروز» و مفاهیم مربوط به «انارام و

ققنوس» و «فرشکرد» که از فرهنگ باستانی ایران نشات می‌گیرند، می‌توان با نگاهی نوین، در استعاره پردازي مفاهیم رهبری تحول‌آفرین و مدیریت تجدیدشونده استفاده نمود.

پس از انجام گام اول و دستیابی به جوهره و مؤلفه‌های استعاره‌ای معرفی شده برای رهبری تحول‌آفرین و مدیریت تجدیدشونده، گام دوم یعنی نظرسنجی از صاحب‌نظران و استفاده از روش کمی و پیمایشی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌شود. در این مرحله، میزان موافقت صاحب‌نظران با مؤلفه‌های یادشده با استفاده از پرسشنامه موردسنجش قرار می‌گیرد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه مدیران و راهبران سطوح مدیریتی در سازمان‌های مختلف هستند و حداکثر تعداد افرادی که از جامعه آماری در دسترس بودند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند که برابر ۶۳ نفر هستند. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از طریق انجام آزمون‌های آماری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام می‌شود.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

گام اول: استخراج مؤلفه‌های تبیین جوهره تحول‌خواهی و تجدیدشوندگی در رویکرد ایرانی

- کهن‌الگوی فروردین؛ تحول‌خواهی و رهایی سیمرخ جان از زندان جسم مادی

اساطیر نمود کهن‌الگوها هستند که در قالب رمزی تجلی یافته و مدام در حال تکرار شدن و نو شدن می‌باشند چون نیاز فطری بشری می‌باشند. کهن‌الگوهای «فروردین» و «سیمرخ» نیز کهن‌الگوهای هستند که در باطن خود با یکدیگر پیوند می‌یابند که در منطق الطیر و شاهنامه نیز بروز آن قابل مشاهده است. منطق الطیر عطار، حکایتی رمزی و نمادین است که در آن سیمرخ کنایه از ذات حق، هدهد کنایه از مرشد و دلیل راه و هر یک از مرغان کنایه از احوال ویژه یک سالک طریقت است (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۹۳). سیمرخ نماد ذات الهی و نیز فروهر جان آدمی است که میل به یکی شدن و یگانگی با حق دارد. سیمرخ هم تمثیل برای ذات خدا و هم تمثیل برای روح انسان قرار گرفته است که خداوند آن را در کالبد انسان دمیده و این روح انسان کامل، از اصل خود دور مانده است و مشتاقانه روزگار وصل خویش را می‌جوید. (حاتمی، ۱۳۹۱: ۵۵).

معاذ الله که مرغ جان قفس را آهین خواهد معاذ الله که سیمرغی در این تنگ آشیان باشد

(مولوی، مثنوی معنوی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۲۶)

فروردین از ریشه «فرور» و «فرورد»، یک واژه پارسی باستان است چنان‌که فرورتنی با واژه اوستایی فرَوَشی^۳ و پهلوی فرَوهر^۴ برابر است. در اوستا فرَوَشی یکی از نیروهای نهانی است که پس از درگذشت آدمی با روان و دین از تن جدا گشته به سوی جهان مینوی گراید (پور داوود، ۱۳۲۱) از این روی است که جشن نوروز را که جشن پایان و آغاز سال است، جشن فروهرها یعنی جشن فروردین و نوروز نام نهاده‌اند. (رجبی، ۱۳۷۵).

عقیده بر این است که فروهر مرغ جان در روزهای پایانی سال به دنیای مادی باز می‌گردد. جشن فروردین یا فروردگان ویژه ارواح درگذشتگان و هنگام نزول فروهرها از آسمان برای دیدن بازماندگان می‌باشد. در اوستا یشت ۱۳ بند ۴۹ مدت نزول ارواح را ده روز می‌شمارد لذا پنج روز پایان سال و پنج روز آغاز سال به‌خصوص آخرین پنجشنبه سال را برای یاد کردن ارواح درگذشتگان در نظر می‌گیرند. به عبارتی بر اساس متون کهن ایرانی، جان‌های آدمیان مانند مرغانی که از قفس تن مادی رهایی یافته‌اند به عالم

معنوی عروج کرده‌اند اما رابطه آن‌ها با جهان مادی کاملاً قطع نشده و برای حمایت از بازماندگان خود به آن‌ها سرکشی می‌کنند و از زمان‌های مهم در این سرکشی، «نوروز» می‌باشد.

نوروز نماد تولد و دگرگونی کامل است و لحظه نوروزی بازتابی از فرشکرد سیمرغ جان آدمی است. سفر عرفانی مرغ جان سالک برای فراتر رفتن از محدودیت‌ها و خالص شدن به راهنمایی و هدایت نیاز دارد. لذا هدهد که جانی متصل با جانان یافته است، کنایه از مرشد و دلیل راه و کهن‌الگوی پیر دانا در هدایت دیگر مرغان برای رسیدن به هدف متعالی یعنی سیمرغ ذات الهی است. نقش هدهد در ارتباط با سی مرغ اهمیت بسیار دارد؛ زیرا هدهد که از نظر علم از همه پرندگان برتر بوده و تمام شرایط یک پیر راه دان را دارد، خودش پیش از این، مسیر سخت سلوک را پیموده و از سختی‌های مسیر آگاه است. هدهد یک مرشد آگاه و رهبر معنوی برای مرغان می‌باشد که آن‌ها را به سوی هدف یعنی سیمرغ ذات الهی هدایت می‌کند.

رساله صفیر سیمرغ سهروردی به هدهد که هدایت‌گر و هادی جان‌ها به سوی ذات الهی است در فصل بهار اشاره می‌کند: «روشن‌روانان چنین نموده‌اند که هر آن هدهدی در فصل بهار به ترک آشیان خود بگوید و به منقار خود پر و بال برکند و قصد کوه قاف کند، سایه کوه قاف بر او افتد...» (سهروردی، ۱۳۷۳: ۳۱۵-۲۱۴). اشاره سهروردی به بهار از این جهت می‌باشد که نوروز و لحظه تحویل سال هنگامی است که فروهر جان آدمی دوباره تازه می‌گردد و عهدی دوباره برای پیمودن راه نور و روشنی با خداوند بسته می‌شود.

▪ سی مرغ و نوزایی به صورت سیمرغ

گسترش شخصیت قهرمان به شکل ولادت مجدد در منطق الطیر عطار نیشابوری، از تحول سی مرغ و نوزایی به صورت سیمرغ بروز می‌یابد. فرآیند نو شدن آدمی، از مباحث مهم و مورد تأکید روان‌کاوی یونگ می‌باشد. یونگ معتقد بود که ولادت مجدد^۵ جزو اعتقادات اولیه بشری است (یونگ، ۱۳۶۸: ۶۷). در تجربه استعلائی حیات، سالک یا قهرمان باید در مناسکی مقدس شرکت جوید تا به وسیله این شرکت، از رحمت الهی برخوردار شود. (یونگ، همان: ۶۸) در منطق الطیر این مناسک به شکل سفری مخاطره‌آمیز و پرفراز و نشیب برای عبور از هفت وادی که در واقع مراتب سلوک جان می‌باشد، صورت می‌پذیرد و مرغان به همراهی و هدایت هدهد تجربه گام نهادن در این مناسک را به انجام می‌رسانند. فقر درونی مرغان توسط هدهد درک شده و با هدایت او مرغان با عبور از هر وادی، یک مرحله به استعلائی حیات نزدیک‌تر می‌شوند و در پایان سفر، وحدت و یگانگی با سیمرغ ذات الهی محقق می‌گردد.

▪ جشن‌های یلدا و نوروز؛ آتش انارام و ققنوس در فرشکرد و نوزایی

جشن نوروز به ویژه در آغاز بهار نه تنها جشن نو شدن طبیعت که نو شدن اسطوره‌ای جهان است. آفرینش در اساطیر ایرانی از فروردین‌ماه آغاز شد و هر فروردین می‌تواند پایان دوازده هزار سال و فرجام جهان کهن و نو شدن آن پس از پیروزی نیروهای اهورایی بر اهریمن باشد (هینلز؛ ۱۳۸۳: ۴۷۷).

«انارام» ایزد فرشته موکل بر روز سی‌ام هر ماه شمسی می‌باشد و آخرین روز ماه شمسی کامل شدن سی روز و سی ایزد فرشته موکل بر آن‌ها می‌باشد و شروع ماه شمسی جدید با هورمزد روز موکل بر اولین روز هر ماه شمسی است. به عبارتی پایان انارام ماه شمسی با آغاز هورمزدی جدید همراه است. انارام در دو مقطع زمانی پایان پاییز (انقلاب زمستانی) و پایان زمستان (اعتدال بهاری) اهمیت

بسیار می‌یابد زیرا در مقطع اولی که شب پایانی پاییز و آغاز زمستان که بلندترین شب سال است ناآرام و اهریمنی تلقی شده و ایرانیان شب و روز را با دور هم نشستن و خوردن میوه انار که منسوب به انارام می‌باشد تا سپیده‌دم روز بعد که تولد خورشید محسوب می‌شود مراسم چله شب و یلدا را برگزار می‌کنند؛ بنابراین «یلدا» تولد و زایش خورشید مهر هورمزد روز، پس از طی شدن شب انارام طولانی و سرد زمستانی است. در پایان آخرین روز (انارام روز) و در آخرین شب پاییز از ماه آذر، آغاز انقلاب زمستانی با روز اول دی‌ماه (هورمزد روز) شروع می‌شود و پس از طولانی‌ترین شب سال که تاریکی اهریمنی و انارام پشت سر گذاشته می‌شود، تولد خورشید «یلدا» رخ می‌دهد. (باحقی، ۱۳۶۹)

دومین زمانی که در این باره اهمیت می‌یابد، انارام روز آخر سال می‌باشد که شروع روز بعد در هورمزد روز آغاز سال جدید است و با تمام شدن انارامی پایان سال (انارام روز اسفندماه) شروعی دوباره و هورمزدی در لحظه نوروزی تحویل سال که با آرزوی سال مطلوب و بهترین‌ها برای خود و دیگران همراه است. شروعی دوباره با عبور از آتش انارام رخ می‌دهد که با اسطوره قنوس و تولد دوباره از میان خاکستر خود همراه است (حجازی، ۱۳۸۸: ۱۴۹ و ۱۳۹).

عطار نیشابوری نیز در ادامه اشاره به سیمرخ جان، از قنوس به صورت تمثیلی برای تولدی دیگر و رمز جاودانگی در یگانه شدن با ذات حق سخن می‌گوید:

چون نماند ذره‌ای اخگر پدید
ققنوسی آید ز خاکستر پدید
(عطار، منطق‌الطیر، ۱۳۸۴، ۲۳۵۶)

با سوختن قنوس، ققنوس جدید متولد می‌شود که تناقض نمایی شگرفی را - یعنی تناقض نمایی بین تحقق‌پذیری و مرگ و جاودانگی و به تعبیر عرفانی، بین فنا فی الله و بقای بالله- در این حکایت مرگ ققنوس به تصویر می‌کشد و بر جنبه مینوی و قداست آن می‌افزاید (حجازی، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

آتش آن هیزم چو خاکستر کند
از میان ققنوس بچه سر بر کند
هیچ کس را در جهان این اوفتاد
کو پس از مردن بزاید یا بزاد
گرچه ققنوس عمر بسیار بایدت
هم بمیری هم بسی کارت دهند

(عطار، منطق‌الطیر، ۲۳۶۰-۲۳۵۸)

ققنوس و زاده شدن بعد از مرگ مضمون غنی فرهنگی است که تحول‌خواهی و مدیریت تجدیدشونده با رویکرد ایرانی را سبب می‌شود. از سویی دیگر استعاره سازمان به‌مثابه ققنوس، بصیرتی ایجاد می‌کند که بتوان در پرتو آن اهداف و راهبردهای بنیادین سازمان را حفظ کرد و سناریوهای مقطعی و سلول‌های ساختاری موقت آن را برحسب اقتضات زمانی و مکانی، در مسیر تعویض و نوسازی مستمر قرار داد. به عبارتی سازمان به‌مثابه ققنوس، پس از انجام وظایف خود، با مرگ برنامه‌ریزی شده به سوی نیستی

می‌شتابد تا از بقایای آن سازمان یا سازمان‌هایی جوان‌تر ساخته و پرداخته شوند. این شیوه مواجهه با مرگ، ماهیت و رسالت و دلیل ایجاد سازمان را در مسیر اصلاح مکرر و بقای مستمر قرار می‌دهد (پور عزت و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳۰ و ۴۳۱).

▪ ارتباط مفهوم «فرشکرد» و استعاره پرداززی مدیریت تجدیدشونده

استعاره مدیریت تجدیدشونده^۶ بیشترین الهام را از طبیعت و عوامل طبیعی همانند تجدید حیات گیاهان در فصل بهار گرفته است. این استعاره به افراد و سازمان‌ها این ایده را می‌دهد تا هم تغییرات سریع و پی در پی روی داده در جامعه را بپذیرند و هم خود در راستای ایجاد توسعه و پیشرفت به دنبال نوآوری و پویایی باشند. از سویی دیگر در فرهنگ ایران باستان مفهوم متعالی به نام «فرشکرد» وجود دارد که معنای آن نوزایی و نوسازی می‌باشد. واژه پهلوی فرشکرد (در اوستایی: فرش کرتی^۷) از «فرش» به معنی «نو، تازه» (هم ریشه با fresh در انگلیسی) و «کرد» به مفهوم «کردن، به انجام رسانیدن» ساخته شده است و بر روی هم معنای «نو کردن گیتی و زندگی» از آن اراده می‌شود (دوست خواه، ۱۳۸۶). زندگی دوباره پس از مرگ، از مسائل مهم در کتاب‌های مقدس و ادب عرفانی است. فرشکرد بازسازی وجود و تجدید هستی عالم، در پایان مرحله فعلی آن، یعنی در پایان عمر ۱۲ هزار ساله کائنات است. به بیان دقیق‌تر فرشکرد در آیین زروانی، حل شدن محدود در نامحدود می‌باشد (جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۲۹۵). نوروز نمادی از سالگرد بیداری طبیعت از خواب زمستانی و نوزایی و تولد دوباره سیمرغ سال مطلوب پس از پایان سال رسیدن سال قبلی می‌باشد. مرگی است که به رستاخیز و زندگی منتهی می‌شود و از همین رو، جشن فرورها است؛ زیرا فروهر پهلوانان و مؤمنان در طلیعه ماه فروردین هر یک به خانه خود فرود می‌آیند و ده روز، به روایتی تا روز نوزدهم فروردین ماه (فروردین روز) در زمین به سر می‌برند و برای دیدار از بازماندگان و خانواده باز می‌گردند. دیدن قبور در گذشتگان در آخرین پنجشنبه هر سال ریشه در همین اندیشه ایرانی دارد. هم‌چنین فروهرهای جان‌های درگذشتگان از دیدن پاکیزگی و درخشندگی خانه و بازماندگان دل خوش می‌شوند و بر شادکامی خانه و خانواده دعا می‌کنند و یاری فروهرهای پاک خانمان بازمانده آنان را برکت می‌دهد. سیمرغ سال نیز از ۱۲ ماه تشکیل یافته و لحظه نوروزی زمان فرشکرد و نمادی برای آن می‌باشد؛ یعنی پایان ۱۲ ماه سیمرغ سال در لحظه نوروزی منطبق با پایان ۱۲ هزار سال عمر زمان کرانمند است. به عبارتی نبرد بین خیر و شر در ازل و آغاز رخ داده و در پایان و آخر زمان نیز رخ خواهد داد و نوروز نمادی از این نبرد خیر و شر و فرشکرد نهایی است که در پایان سال و پس مرگ زمستانی طبیعت، آغاز دوباره نور و روشنی و زندگی آغاز می‌شود. بنا بر اسطوره باستانی دیگر که به زبان نمادین سخن می‌گوید در طول سال دوازده تن از یاران اهریمن در کار جویدن و بریدن و برانداختن دوازده ستونی هستند که جهان را نگاه می‌دارند (بیرونی، آثار الباقیه، ۱۳۷۷: ۳۳۳). نوروز علاوه بر اهمیتی که در پیدایش جان جهانیان می‌یابد، نماد توالی مرگ و بازیابی و تولد جاودانی است. حمله اهریمن بر آفرینش هورمزد در روز نخست فروردین و کشته شدن کیومرث در سی سال پس از آن به دست اهریمن در روز نخستین فروردین رخ می‌دهد، بنابراین نوروز با آفرینش و مرگ آدمی و باز زایی نخستین انسان و زایش جاودانگی او در ارتباط است (اردستانی، رستمی، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۲).

▪ مرگ عرفانی و تولد دوباره

در تفکر عرفانی، رهایی از قیدوبندهای عادی و دنیوی با مرگ اختیاری، زمینه تولدی دیگر را فراهم می‌کند که از آن با واژه قیامت یاد می‌کنند (حجازی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). برای تولد دوباره، مرگ اختیاری برای دستیابی به کمال و رهایی از تعلقات مادی جسمانی و

رسیدن به حقیقت توصیف می‌گردد. انسان کامل با تولد دوباره به اسرار عالم و حقیقت هستی، اشراف می‌یابد همان‌گونه که خود مولوی، مرگ عرفانی را تجربه نمود و پس از آن تخلص شعری خود را از خموش به شمس تغییر داد؛ زیرا خود، شمس دیگری شده بود. مرگ ارادی و اختیاری در عرفان معروف به گنج فناست که پس از بلندهمتی و مجاهدت حاصل می‌شود.

و آن عنایت هست موقوف ملمات

تجربه کردند این‌ره را ثقات

بلکه مرگش بی عنایت نیز نیست

بی عنایت هان و هان جایی مه ایست

آن زمرّد باشد، این افعی پیر

بی زمرّد کی شود افعی ضریر

(مولوی، مثنوی، جلد ۶، ابیات ۳۸۴۲-۳۸۴۰)

«بل هم فی کبس من خلق جدید» (ق / ۵۰) یا «کلّ یوم هو فی شأن» (الرحمان / ۲۹) از جمله آیاتی از قرآن مجید هستند که به نو شدن مدام عالم اشاره می‌نماید و با الفاظی همانند «تجدد امثال، خلع و لبس، تجدد مظاهر، خلق جدید، مرگ و رجعت، حشر نوین، تعاقب امثال، قیامت نقد و ...» در آثار عرفانی بازتاب یافته‌اند (ایزوتسو، کاویانی، ۱۳۶۴: ۷۸).

پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتی است

مصطفی فرمود دنیا ساعتی است

فکر ما تیری است از هو در هوا

در هوا کی پاید آید تا خدا

(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول، ۱۱۴۳-۱۱۴۲)

از دیدگاه عارفان از جمله مولانا، همه چیز در جهان در حال دگرگونی و تغییر و تبدیل، هست و نیست شدن، مردن و زنده شدن است و انسان نیز به عنوان جزئی از این جهان بزرگ از این قاعده مستثنی نیست (عباسی و خسروی، ۱۳۹۷: ۲۰) لذا در نگاه عرفانی مرگ پایان و نابودی تلقی نمی‌گردد؛ بلکه تولد و زایشی دوباره و صعود به مرحله بالاتر کمال می‌باشد.

از عدم‌ها سوی هستی هر زمان

هست یارب کاروان در کاروان

▪ نوروژ و استعاره پردازي رهبري تحول‌آفرين بهاري

با استفاده از مضامین غنی درباره روح تحول‌خواهی ایرانیان، می‌توان از آن در استعاره پردازي رهبري و سازمان استفاده نمود. رهبري تحول‌آفرين^۱ یکی از غالب‌ترین تئوری‌های رفتار سازمانی می‌باشد که ابتدا به وسیله دانتون^۲ در ۱۹۷۳ میلادی مطرح گردید و سپس توسط برنز^۱ در سال ۱۹۸۵ میلادی توسعه یافته و به تئوری برجسته و غالب تبدیل شد. بعدها باس^{۱۱} بر اساس تحقیقات قبلی برنز، مدلی از رهبري را ارائه داد که برای موقعیت‌های ثابت و تحول سازمانی، به ترتیب رهبري مبادله‌ای و تحول‌آفرين را تجویز

می‌نمود. بر اساس نظریه رهبری تحول‌آفرین، برای رسیدن به اهداف مطلوب، استفاده از بازیگران داخلی جهت انجام وظیفه‌های لازم در دستور کار رهبر قرار می‌گیرد تا اطمینان یابد مسیر رسیدن به هدف روشن و آشکار توسط بازیگران داخلی درک شده است. جذاب بودن پیام رهبر و درگیر کردن احساسات مخاطبان برای ایجاد اجماع در مسیر هدف، توان جذب مخاطبان و اجماع سازی را از جمله ویژگی‌های بارز رهبری تحول‌آفرین قرار می‌دهد. ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری رهبران تحول‌آفرین^{۱۲} از جمله فرهمندی (کاریزما)، توان نفوذ بالا و چشم‌انداز وسیع^{۱۳} موجب می‌شود رهبران و مدیران بتوانند تعهد و شور و حرارت لازم را در زیردستان برای به کارگیری نهایت استعداد و تلاششان در جهت تحقق اهداف سازمان ایجاد نمایند (زارع و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۴-۶۳).

برای رهبری تحول‌آفرین چهار عامل یا ویژگی نام برده می‌شود:

- ۱) نفوذ آرمانی: رهبرانی که با برانگیختن حس احترام، تحسین و وفاداری به عنوان مدل و الگویی قوی برای پیروان خود عمل می‌کنند و آن‌ها را به سبب اعتمادشان به رهبر به سطوح بهینه عملکرد مطلوب رهنمون می‌شوند (گوموسلوگلو، ۲۰۰۹).
 - ۲) انگیزش الهام‌بخش: رهبرانی که با افزایش اشتیاق و انگیزش، الهام‌بخش پیروان برای افزایش تعهد آنان برای رسیدن به اهداف و تحقق چشم‌انداز مشترک می‌شود.
 - ۳) ترغیب و تحریک ذهنی: رهبرانی که با نگاه جدید به مسائل و تشویق قدرت ابتکار کارکنان و مشارکت دادن پیروان در ترسیم چشم‌انداز آینده، افکار و تصورات و خلاقیت آنان را تحریک می‌کنند تا به رویکردهای جدید و خلاق برای انجام کارها برسند (چن و لاگ تانگ^{۱۴}، ۲۰۰۷).
 - ۴) توجه و ملاحظات فردی: رهبرانی که با ایجاد جو حمایتی، نیازها و ویژگی‌های پیروان خود را بشناسند و با آن همراهی کنند به عنوان مربی و مشاور به رشد شخصی و بهبود عملکرد و خودشکوفایی پیروان کمک می‌نمایند (ترابی، ولی زاده دستجرد، ۱۳۹۳).
- استفاده از مضامین نوروز و فرشکرد در رویکرد ایرانی به آینده‌پژوهی با استدلال استعاری موجب نگاهی نوین به رهبری تحول‌آفرین می‌شود. هر استعاره پردازشی جدید درباره سازمان و رهبری، باعث می‌شود که علاوه بر اتخاذ نگاهی جدید به پدیده سازمان، کنشی متناسب با آن و افق‌های جدید برای رهبری و اداره آن تجلی و ظهور یابد. می‌توان ادعا نمود، نقش تدوین استعاره‌ها می‌تواند از وضع استراتژی در سازمان، نقش حیاتی و مهم‌تر ایفا نماید (بیچرانلو و پورعزت، ۱۳۹۲).
- استعاره‌های جدید در رهبری نیز، افق‌های جدیدی را در اداره امور آشکار می‌سازد. رهبری تحول‌آفرین استعاره‌ای است که از مضامین حاوی تحول و دگرگونی الهام می‌گیرد، اما «نوروز» و مضامین غنی مربوط به آن چنان قدرتمند است که می‌توان بر مبنای آن استعاره تحول بهاری و نوروز را به عنوان بن‌مایه اصلی رهبری تحول‌آفرین تلقی نمود. جشن نوروز، رستاخیز طبیعت در اعتدال بهاری و منشأ الهام برای تغییر و تحول در فرهنگ ایرانی است. از نظر خیام، جمشید به مناسبت باز آمدن خورشید به برج حمل (فروردین)، نوروز را جشن گرفت: «به سبب نهادن نوروز آن بوده است که آفتاب را دو دور بود، یکی آنکه هر سیصد و شصت و پنج شبان روز و ربعی از شبان روز به اول دقیقه حمل باز آمد و به همان روز که رفته بود بدین دقیقه نتواند از آمدن، چه هر سال از مدت هم کم می‌شود و چون جمشید، آن روز دریافت (آن را) نوروز نام نهاد و جشن و آیین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند» (خیام نیشابوری، نوروزنامه، ۱۳۱۲: ۱۴). نوروز، جشن بازرایی و تولد دوباره و تصمیم برای خوب بودن و سرآغازی دوباره در جهت آفرینش نیکی‌ها می‌باشد. باوری کهن وجود دارد که به هنگام نوروز، از طبیعت پیروی کنیم و با یادگیری از طبیعت و درختان که لباس نو بر تن می‌کنند، با آمدن بهار، لباس نو بپوشیم که آرامش و شادمانی به همراه می‌آورد و

درون انسان‌ها را نیز بهاری و تازه می‌کند. روایات متعددی در تأیید نوروز و روح تحول‌خواهی آن در دین اسلام بیان شده است. عبدالصمد بن علی به نقل از جد خود ابن عباس، از حضرت محمد (ص) روایتی درباره نوروز بیان می‌کند که در آن به زنده شدن مردگان در لحظه نوروز حکایت دارد. او چنین می‌گوید: «در روز نوروز جامی سیمین پر از حلوا برای پیامبر (ص) آوردند و چون ایشان سبب آوردن این هدیه را پرسیدند، در پاسخ گفتند که هدیه نوروز است، پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان است. آنگاه پیامبر (ص) فرمودند: آری در این روز خداوند عسکره را زنده کرد پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آن‌ها گفت بمیرند و مردند؛ و سپس آن‌ها را زنده کرد و ابرها را فرمان داد تا بر آنان بیارند و از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده است، آنگاه پیامبر اسلام (ص) از آن حلوا تناول فرمود و به اصحاب خود داد و گفت: کاش هر روز برای ما نوروز بود» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۲۵) این زنده شدن مردگان در نوروز مانند زنده شدن مردگان در قرآن در حکایت اصحاب کهف است و نمونه‌ای از واقعه‌ای بزرگ‌تر یعنی رستاخیز مردگان در آخرالزمان می‌باشد.

▪ مرحله خروج از انجماد در طرح تحول و بیداری طبیعت از خواب زمستانی

طراحی و اجرای مراحل تحول از مهم‌ترین ارکان رهبری تحول می‌باشد؛ زیرا برنامه‌های تحول نیازمند آن هستند که مجموعه مجریان به آن باورمند باشند و برای همین نیازمند نفوذ رهبری تحول‌آفرین در آن‌ها می‌باشد تا بتوانند برنامه‌ها را رهبری نماید. صاحب‌نظرانی مانند جان پی کاتر و دان کوهن بر این باورند که تحول را باید رهبری نمود و برای تغییر از هشت مرحله باید گذر نمود. مراحل تحول از دیدگاه کاتر عبارت‌اند از:

- ۱) ایجاد احساس ضرورت برای تحول
- ۲) تشکیل ائتلاف راهنما
- ۳) ترسیم چشم‌انداز و راهبرد
- ۴) توان‌افزایی و مانع‌زدایی
- ۵) کنار زدن موانع اجرایی
- ۶) به دست آوردن دستاوردهای کوچک اما فوری
- ۷) پیگیری کار تا رسیدن به هدف نهایی
- ۸) ماندگار سازی تحول (کاتر، محجوب، ۱۳۹۰)

از معروف‌ترین نظریه‌های تحول مدل سه مرحله‌ای کرت لوین^{۱۵} می‌باشد.

مرحله اول: خروج از انجماد^{۱۶} یا انجماد زدایی که احساس آمادگی برای تغییر و قبول ایده جدید و احساس خطا و اضطراب از رفتار پیشین می‌باشد (کارنال، ۱۳۷۶؛ هاگمن، ۱۳۸۰). مرحله‌ای که افراد احساس می‌کنند که باید در وضع موجود تغییر و تحول به عمل آید شباهت به حالتی دارد که در جشن نوروز افراد برای تغییر و تحول آماده می‌شوند و برای آن دعا می‌کنند.

مرحله دوم: تغییر یا حرکت^{۱۷} به یک حالت جدید، با یادگیری رفتار جدید و پذیرش آن و نهادینه شدن ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها می‌باشد (هرسی و کنت بلانچارد، ۱۳۶۸). هدهد در ادب عرفانی، تمثیلی از «کارگزار تغییر» و پیری دانا و هدایت‌گر بهار

جانها است که افراد و گروه‌ها یعنی هر کدام از مرغان و جمع آن‌ها به‌مثابه سی مرغ را به سوی هدف متعالی یعنی یگانگی با سیمرخ ذات الهی هدایت می‌کند.

مرحله سوم: تثبیت یا انجماد مجدد^۸: تقویت رفتارهای تغییر کرده از طریق حمایت و تشویق و ایجاد معیارهای جدید و به ثبات رساندن تغییرات تا وضع جدید به تعادل برسد (هاگمن، ۱۳۸۰؛ کاتر و کوهن، ۱۳۸۴). دیدگاه کرت لوین درباره خروج از انجماد به عنوان مرحله‌ای مهم از تحول با مضامین غنی فرهنگ ایرانی هماهنگ می‌باشد؛ زیرا رهبری تحول‌آفرین بهاری با استفاده از سرمایه نمادین نوروز که انسان‌ها را به تحول بهاری فرا می‌خواند، پیروان و جامعه را به سمت تغییر بنیادین و اساسی رهنمون می‌شود؛ زیرا نوروز نماد خروج از انجماد زمستان و آغاز تحول و بیداری بهار طبیعت و تحول جان‌های آدمیان است.

مؤلفه‌های تحول‌خواهی و تجدیدشوندگی در رویکرد ایرانی به استعاره رهبری تحول‌آفرین و مدیریت تجدیدشونده استعاره (متافور^۹) دسته خاصی از فرآیندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر «فرا برده» یا منتقل می‌شود و از آن جایی که در استعاره، کلمه‌ای را برای توصیف امر دیگر به سبب شباهت میان آن‌ها به کار برده می‌شود بنابراین در آن همیشه دو وجه وجود دارد: اولاً چیزی که باید توضیح داده شود و ثانیاً چیزی که برای توضیح موضوع به کار گرفته می‌شود (دباغ، ۱۳۹۳: ۱). از جمله استعاره‌های مهم در فرهنگ و ادب ایرانی، نوروز و بیداری جان سالک است. جان آدمی همانند بیداری طبیعت و در سفر معنوی به سوی خالق خویش، از خزان نفس عبور می‌کند تا در بهار آگاهی عقل و جان؛ با نو دیدن و نو شدن، شکوفا گردد.

پس به تأویل این بود کانفاس پاک
چون بهار است و حیات برگ و تاک
فصل باران بهاری با درخت
آید ز انفاسشان ای نیک بخت

و این گونه باد بهار آگاهی، با جان سالک همان می‌کند که با طبیعت می‌کند و جان آدمیان در وصل با جانان، به جاودانگی خواهد رسید.

بهار آمد بهار آمد بهار خوش عذار آمد
خوش و سرسبز شد عالم، عوان لاله‌زار آمد
بنفشه پیش نیلوفر در آمد که مبارک باد
که زردی رفت و خشکی رفت و عمر پایدار آمد

نوروز نماد روزگار نوین و جدید، پس از غلبه نور بر تاریکی است. حکومت جهانی جمشید که در نوروز آغاز شد، آغاز عصر جدید و تحول در احوال و دنیای آدمیان بوده که هم چنان می‌تواند همین کارکرد را در دنیای امروز ادامه دهد.

جوهره	تبیین جوهره
جشن نوروز	نوروز جشن نو شدن اسطوره‌ای جهان و جشن تحول طبیعت و جان‌های انسان‌ها در آغاز بهار است. همگام با تجدید حیات طبیعت، جان‌های انسان‌ها نیز در آغاز بهار و تحویل سال نو خورشیدی تحول می‌یابد.
کهن‌الگوی فروردین	فروردین، ماه ارواح پاک و بازگشت آن‌ها به سوی بازماندگان است. لایه‌های معانی کهن‌الگوی فروردین در اوستا باستانی دیده می‌شود و استمرار معنوی آن در ادب عرفان ایرانی رهایی سیمرغ جان از زندان جسم مادی را نوید می‌دهد.
خروج از انجماد در طرح تحول	مرحله خروج از انجماد در طرح تحول با بیداری طبیعت از خواب زمستانی قابل مقایسه است. لوین‌الگوی فرآیند سه مرحله‌ای تغییر را پیشنهاد نمود. این الگو شامل سه مرحله می‌باشد: مرحله اول: خروج از انجماد یا انجماد زدایی، مرحله دوم: تغییر یا حرکت به یک حالت جدید، مرحله سوم: تثبیت یا انجماد مجدد
فرشکرد	واژه پهلوی فرشکرد (در اوستایی: فرش‌کرتی)، از «فرش» به معنی «نو، تازه» و «کرد» به مفهوم «کردن، به انجام رسانیدن» ساخته شده است و بر روی هم معنای «نو کردن گیتی و زندگی» از آن اراده می‌شود.
سی مرغ و نوزایی سیمرغ	در منطق‌الطیر از تحول سی مرغ و نوزایی به صورت سیمرغ بروز می‌یابد و مرغان به همراهی و هدایت هدهد، تجربه گام نهادن در این مناسک را به شکل سفری مخاطره‌آمیز و پرفراز و نشیب برای عبور از هفت وادی که در واقع مراتب سلوک جان می‌باشد انجام می‌رسانند.
ولادت مجدد	ولادت مجدد جزو اعتقادات اولیه بشری است، یونگ بنیان چنین اعتقادی را بر کهن‌الگوها می‌داند و باور داشت که در اینجا با حقیقتی سر و کار داریم که صرفاً روانی است و فقط به طور مستقیم و از احکام شخصی به ما انتقال یافته است.
تولد دوباره بس از مرگ عرفانی	در تفکر عرفانی، رهایی از قیدوبندهای عادی و دنیوی با مرگ اختیاری، زمینه تولدی دیگر را فراهم می‌کند که از آن با واژه قیامت و تولد و حیات دوباره یاد می‌کنند. در نگاه عرفانی مرگ پایان و نابودی تلقی نمی‌گردد بلکه تولد و زایشی دوباره و صعود به مرحله بالاتر کمال می‌باشد.
«یلدا» تولد و زایش خورشید	«یلدا» تولد و زایش خورشید مهر هورمزدروز، پس از طی شدن نحوست شب انارام طولانی و سرد زمستانی است. پس از طولانی‌ترین شب سال که تاریکی اهریمنی و انارام پشت سر گذاشته می‌شود، تولد خورشید «یلدا» رخ می‌دهد.
آتش انارام	«انارام» ایزد فرشته موکل بر روز سی‌ام هر ماه شمسی می‌باشد. شروعی دوباره با عبور از آتش انارام رخ می‌دهد که با اسطوره ققنوس و تولد دوباره از میان خاکستر خود همراه است.
ققنوس	ققنوس، معرب کلم یونانی کوکنوس مرغی است که چهره‌ای اسطوره‌ای دارد. با سوختن ققنوس، ققنوس جدید متولد می‌شود که تناقض‌نمایی بین تحقق‌پذیری و مرگ و جاودانگی و به تعبیر عرفانی، بین فنا فی الله و بقای بالله به تصویر می‌کشد.

گام دوم: بررسی میزان موافقت صاحب نظران با مؤلفه‌های استخراج شده

بر مبنای مؤلفه‌های استعاره‌ای استخراج شده در گام قبل، پرسشنامه‌ای طراحی و اطلاعات نمونه جمع‌آوری گردید. پرسشنامه طراحی شده شامل طیف پاسخ از امتیاز ۱ تا ۱۰ بوده که میزان موافقت پاسخ‌دهنده با مؤلفه موردسنجش را نشان می‌دهد به نحوی که امتیاز ۱ کمترین میزان موافقت و امتیاز ۱۰ بیشترین امتیاز موافقت با مؤلفه موردسنجش را نشان می‌دهد. روایی پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، مورد تأیید اساتید و متخصصین مشاور در این تحقیق قرار گرفته است. با این حال، جهت اعتبار بیشتر، دو روش اعتبار محتوا و سازه آزمون مورد بررسی قرار گرفتند. جهت تضمین اعتبار محتوای پرسش‌نامه، از نظر متخصصان و اساتید دانشگاه استفاده شد که تخصص لازم را دارا بوده و همین‌طور سابقه کافی در امر مدیریت و رهبری داشتند. در این پژوهش، برای محاسبه قابلیت پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ، برای مطالعه‌ای مقدماتی با توزیع ۳۰ پرسشنامه در قالب پیش‌آزمون استفاده شده است. سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS مقدار آلفای کرون باخ، برای ابعاد و سازه‌ها به دست آمده است. در پژوهش‌ها ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷ قابل قبول می‌باشد. لذا با توجه به اینکه آلفای کلی پرسشنامه بیش از ۰/۷ می‌باشد، می‌توان پایایی پرسشنامه مذکور را مطلوب ارزیابی کرد. قبل از هرگونه آزمونی که با فرض نرمال بودن داده‌ها صورت می‌گیرد باید آزمون نرمال بودن صورت گیرد.

محاسبه چولگی و کشیدگی

ابتدا چولگی و کشیدگی داده‌ها آزمون می‌شود. چولگی معیاری از تقارن یا عدم تقارن تابع توزیع می‌باشد. برای یک توزیع کاملاً متقارن چولگی صفر و برای یک توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر چولگی مثبت و برای توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچک‌تر مقدار چولگی منفی است. کشیدگی نشان‌دهنده ارتفاع یک توزیع است. به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر ۳ می‌باشد. کشیدگی مثبت یعنی قله توزیع موردنظر از توزیع نرمال بالاتر و کشیدگی منفی نشانه پایین‌تر بودن قله از توزیع نرمال است. در حالت کلی چنانچه چولگی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) نباشند داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند.

		Descriptive Statistics		Skewness		Kurtosis	
		N	Std. Deviation	Statistic	Std. Error	Statistic	Std. Error
		Statistic	Statistic				
مؤلفه‌های تبیین جوهره مضامین تحول خواهی و تجدید شوندگی در رویکرد ایرانی							
جشن نوروز	Q1	63	1.259	0.087	0.302	-0.932	0.595
کهن الگوی فروردین	Q2	63	0.678	-0.456	0.302	0.821	0.595
خروج از انجماد در طرح تحول	Q3	63	0.676	-0.703	0.302	1.329	0.595
فرشکرد و تجدید شوندگی	Q4	63	1.015	-0.787	0.302	-0.182	0.595
سی مرغ و نوزایی به صورت سیمرغ	Q5	63	1.012	-0.102	0.302	-0.388	0.595
ولایت مجسد	Q6	63	0.902	1.006	0.302	0.409	0.595
گسترش شخصیت ناشی از فقر درونی تولد دوباره بس از مرگ عرفانی	Q7	63	1.092	0.315	0.302	-1.2	0.595
جشن یلدا	Q8	63	0.991	0.085	0.302	-1.009	0.595
آتش انارام	Q9	63	1.160	0.347	0.302	-1.351	0.595
ققنوس	Q10	63	1.023	0.326	0.302	-0.977	0.595

شکل ۳: چولگی و کشیدگی متغیرهای تحقیق

مقدار چولگی مشاهده شده^{۲۰} در شکل ۳ برای کلیه متغیرهای تحقیق در بازه (۲، -۲) قرار دارد. یعنی از لحاظ کجی متغیرها نرمال بوده و توزیع آن‌ها متقارن است. مقدار کشیدگی کلیه متغیرهای تحقیق^{۲۱} در بازه (۲، -۲) قرار دارد. این نشان می‌دهد توزیع متغیرها از کشیدگی نرمال برخوردار است.

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو-ویلک

پس از بررسی عادی یا نرمال بودن کشیدگی و یا چولگی توزیع داده‌ها، از آزمون شاپیرو-ویلک یا آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می‌شود تا از نرمال بودن داده‌ها اطمینان حاصل گردد. هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها، فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵٪ تست می‌کنیم. بنابراین اگر آماره آزمون بزرگ‌تر مساوی ۰.۰۵ به دست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. برای آزمون نرمالیتت فرض‌های آماری به صورت زیر تنظیم می‌شود:

H_0 : توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها نرمال است.

H_1 : توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها نرمال نیست.

با استفاده از نرم‌افزار SPSS آزمون انجام می‌شود. چنانچه سطح معناداری در آزمون Shapiro-Wilk یا آزمون کولموگروف-اسمیرنوف که با sig. نمایش داده می‌شود بیشتر از ۰.۰۵ باشد می‌توان داده‌ها را با اطمینان بالایی نرمال فرض کرد، در غیر این صورت نمی‌توان گفت که داده‌ها توزیع شان نرمال است.

با توجه به نتایج آزمون کولموگروف، اسمیرنوف و همچنین شاپیرو-ویلک در شکل ۴، نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود یا به عبارت دیگر، دلیلی بر رد فرض صفر وجود ندارد، فرض صفر به این مسئله اشاره دارد که داده‌ها از توزیع نرمال تبعیت می‌کنند.

آزمون میزان موافقت با مؤلفه‌ها-آزمون t یک نمونه‌ای

در این آزمون بر مبنای نتایج جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه، میزان موافقت با مؤلفه یادشده بر پایه موقعیت هرمنوتیکی حاصل دانش و تجربه زیستی صاحب‌نظران مورد آزمون قرار می‌گیرد. بدین منظور از آزمون T یک نمونه‌ای استفاده می‌شود. آزمون t تک نمونه‌ای که به آن t تک گروهی نیز گفته می‌شود، با مقایسه میانگین نمونه و جامعه تعیین می‌کند آیا میانگین مشاهده شده در نمونه با میانگین جامعه مفروض تفاوت دارد یا خیر. در این آزمون ابتدا عددی را برای میانگین جامعه فرض نموده، سپس از طریق آزمون t تک نمونه‌ای، میانگین نمونه را با میانگین جامعه مقایسه می‌کند.

$$H_0: \mu = \mu_0$$

$$H_1: \mu \neq \mu_0$$

	N	Normal Parameter		Kolmogorov-Smirnov			Shapiro-Wilk		
		Std. Deviation	Statistic	df	Sig.	Statistic	df	Sig.	
مؤلفه‌های تبیین جوهره مضامین تحول خواهی و تجدید شوندگی در رویکرد ایرانی									
چشن نوروز	Q1	63	1.259	0.101	63	0.1180	0.937	63	0.2129
کهن الگوی فروردین	Q2	63	0.678	0.095	63	0.1200	0.977	63	0.2580
خروج از انجماد در طرح تحول	Q3	63	0.676	0.134	63	0.1066	0.947	63	0.2185
فرشکرد و تجدید شوندگی	Q4	63	1.015	0.140	63	0.1038	0.914	63	0.2103
سی مرغ و نوزایی به صورت سیمرخ	Q5	63	1.012	0.106	63	0.1290	0.973	63	0.2510
ولادت مجدد	Q6	63	0.902	0.256	63	0.1000	0.790	63	0.2100
گسترش شخصیت ناشی از فقر درونی بولد دوباره بس از مرگ عرفانی	Q7	63	1.092	0.195	63	0.1000	0.851	63	0.2100
چشن یلدا	Q8	63	0.991	0.194	63	0.1000	0.877	63	0.2100
آتش انارام	Q9	63	1.160	0.222	63	0.1000	0.827	63	0.2100
ققنوس	Q10	63	1.023	0.229	63	0.1000	0.865	63	0.2100

شکل ۴: نتیجه آزمون نرمال بودن داده‌ها

بنابراین فرض صفر به صورت «میانگین جامعه با مقدار μ_0 برابر است» و فرض مقابل به صورت «میانگین جامعه با مقدار μ_0 برابر نیست» منظور می‌شود. در خروجی این آزمون یک فاصله اطمینان در سطح معنی‌داری ۹۵٪ نیز برای میانگین جامعه دیده می‌شود؛ یعنی با اطمینان ۹۵٪ می‌توان میانگین جامعه را در این فاصله اطمینان فرض نمود. در صورتی که t محاسبه شده از t بحرانی جدول بزرگ‌تر یا مساوی باشد (یا $\text{Sig} < 0.05$)، فرض صفر رد و فرض خلاف تأیید می‌شود؛ بنابراین در فرضیه بدون جهت با اطمینان ۹۵ درصد نتیجه گرفته می‌شود تفاوت دو میانگین از لحاظ آماری معنی‌دار است. به منظور آزمون نمودن میزان موافقت با مؤلفه یادشده در این تحقیق از جدول ۳ استفاده شده است.

1	2	3	4	5	6	7	8	9	10
ضعیف			متوسط			قوی			

جدول ۳. طیف استفاده شده در آزمون t یک نمونه‌ای

در ابتدا آزمون زیر را انجام می‌شود:

$$H_0: \mu=4$$

$$H_1: \mu \neq 4$$

در واقع آزمون می‌شود که برای هر مؤلفه، میانگین موافقت صاحب‌نظران با مؤلفه در سطح معنی‌داری ۹۵٪ برابر ۴ می‌باشد یا خیر. مطابق با نمونه نتایج ارائه‌شده در شکل ۵ برای فرض $\text{Test Value} = 4$ ، مؤلفه‌هایی که مقدار Sig آن‌ها کمتر از ۰.۰۵ است فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی میانگین جامعه اختلاف معناداری با عدد ۴ دارد. برای مؤلفه‌هایی که مقدار Sig آن‌ها بیشتر از ۰.۰۵ است فرض صفر پذیرفته می‌شود؛ یعنی میانگین جامعه اختلاف معناداری با عدد ۴ در سطح اطمینان ۹۵٪ ندارد.

		One-Sample Test						
		N	Mean	Std. Error Mean	Test Value = 4			
					t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference
مؤلفه‌های تبیین جوهره مضامین تحول‌خواهی و تجدید‌شوندگی در رویکرد ایرانی								
جشن نوروز	Q1	63	5.984	0.317	6.255	62	0.000	1.984
کهن‌الگوی فروردین	Q2	63	6.333	0.177	13.203	62	0.000	2.333
خروج از انجماد در طرح تحول	Q3	63	5.762	0.176	9.993	62	0.000	1.762
فرشکرد و تجدید‌شوندگی	Q4	63	6.333	0.255	9.15	62	0.000	2.333
سی مرغ و نوزایی به صورت سیمرغ	Q5	63	6.476	0.254	9.754	62	0.000	2.476
ولایت مجسد	Q6	63	3.683	0.227	-1.397	62	0.167	-0.317
گسترش شخصیت ناشی از فقر درونی بولد دوباره بس از مرگ عرفی	Q7	63	4.508	0.275	1.846	62	0.070	0.508
جشن یلدا	Q8	63	4.762	0.250	3.052	62	0.003	0.762
آتش انارام	Q9	63	4.476	0.292	1.629	62	0.108	0.476
ققنوس	Q10	63	4.571	0.258	2.217	62	0.030	0.571

شکل ۵: نتایج آزمون t برای فرض $\mu=4$ مؤلفه‌های استخراج‌شده

		One-Sample Test							
		N	Mean	Test Value = 7			95% Confidence Interval of the Difference		
				t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Lower	Upper
مؤلفه‌های تبیین جوهره مضامین تحول‌خواهی و تجدید‌شوندگی در رویکرد ایرانی									
جشن نوروز	Q1	63	5.984	-3.203	62	0.002	-1.016	5.350	6.618
کهن‌الگوی فروردین	Q2	63	6.333	-3.772	62	0.000	-0.667	5.980	6.687
خروج از انجماد در طرح تحول	Q3	63	5.762	-7.022	62	0.000	-1.238	5.410	6.114
فرشکرد و تجدید‌شوندگی	Q4	63	6.333	-2.614	62	0.011	-0.667	5.824	6.843
سی مرغ و نوزایی به صورت سیمرغ	Q5	63	6.476	-2.063	62	0.043	-0.524	5.969	6.984
ولایت مجسد	Q6	63	3.683	-14.601	62	0.000	-3.317	3.228	4.137
گسترش شخصیت ناشی از فقر درونی بولد دوباره بس از مرگ عرفی	Q7	63	4.508	-9.057	62	0.000	-2.492	3.958	5.058
جشن یلدا	Q8	63	4.762	-8.965	62	0.000	-2.238	4.263	5.261
آتش انارام	Q9	63	4.476	-8.634	62	0.000	-2.524	3.892	5.061
ققنوس	Q10	63	4.571	-9.423	62	0.000	-2.429	4.056	5.087

شکل ۶: نمونه نتایج آزمون t برای فرض $\mu=7$ مؤلفه‌های استخراج‌شده

همانند آزمون قبلی مجدداً برای فرض زیر نیز انجام می‌شود:

$$H_0: \mu=7$$

$$H_1: \mu \neq 7$$

در واقع آزمون می‌شود که برای هر مؤلفه، میانگین موافقت صاحب‌نظران با مؤلفه در سطح معنی‌داری ۹۵٪ برابر ۷ می‌باشد یا خیر. مطابق با نمونه نتایج ارائه‌شده در شکل ۶ برای فرض $\text{Test Value} = 7$ برای مؤلفه‌هایی که مقدار Sig آن‌ها کمتر از ۰.۰۵ است فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی میانگین جامعه اختلاف معناداری با عدد ۷ دارد. برای مؤلفه‌هایی که مقدار Sig آن‌ها بیشتر از ۰.۰۵ است فرض صفر پذیرفته می‌شود؛ یعنی میانگین جامعه اختلاف معناداری با عدد ۷ در سطح اطمینان ۹۵٪ ندارد. فاصله اطمینان برای میانگین جامعه در سطح اطمینان ۹۵٪ نیز در نتایج آزمون شکل ۵ نشان داده شده است. تصمیم‌گیری در خصوص میزان موافقت با هر مؤلفه صاحب‌نظران بر اساس قواعد زیر انجام می‌شود:

۱) در صورتی که مطابق با آزمون اول ($\text{Test Value} = 4$) میانگین جامعه در سطح ۹۵٪ معنی‌دار شده باشد با توجه طیف‌بندی انجام‌شده در جدول ۲، میزان موافقت با مؤلفه یادشده بر پایه موقعیت هر منوتیکی حاصل دانش و تجربه زیستی صاحب‌نظران، در سطح ضعیف ارزیابی می‌شود.

۲) در صورتی که مطابق با آزمون دوم ($\text{Test Value} = 7$) میانگین جامعه در سطح ۹۵٪ معنی دار شده باشد با توجه طیف بندی انجام شده در جدول ۳، میزان موافقت با مؤلفه یادشده بر پایه موقعیت هرمنوتیکی حاصل دانش و تجربه زیستی صاحب نظران، در سطح قوی ارزیابی می شود.

۳) در صورتی که یک مؤلفه در هر دو آزمون معنی دار شناخته نشده باشد، به فاصله اطمینان در سطح ۹۵٪ توجه می شود. در صورتی که حد پایین فاصله اطمینان بیش از ۴ و حد بالای اطمینان کمتر از ۷ محاسبه شده باشد، میزان موافقت با مؤلفه یادشده بر پایه موقعیت هرمنوتیکی حاصل دانش و تجربه زیستی صاحب نظران، در سطح متوسط ارزیابی می شود. نتایج آزمون نشان می دهد در سازمان های مورد نظر، مؤلفه های تحول خواهی و تجدیدشوندگی در رویکرد ایرانی به رهبری تحول آفرین و مدیریت تجدید شونده از نظر صاحب نظران در سطح قوی ارزیابی شده است و مدیران بایستی با توجه ویژه به مؤلفه ها، رویکرد رهبری تحول آفرین و مدیریت تجدید شونده را تبیین و در سازمان جاری نمایند.

نتیجه گیری

نظریه پردازی در موضوعات مهمی چون تحول و تجدید حیات در تناسب با فرهنگ ایرانی، موجب فراگیر شدن آن و تبیین الگویی بومی برای توسعه و تحول می گردد که غفلت از این مهم، تبعات و خسارات جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. مضامین غنی که از فرهنگ باستانی ایران نشأت می گیرد می تواند در استعاره پردازی مفاهیم رهبری تحول آفرین و مدیریت تجدیدشونده مورد استفاده قرار گیرد که از جمله این مضامین مهم «جشن نوروز» و مفاهیم مربوط به «انارام و ققنوس» و «فرشکرد» می باشد. مفهوم اوستایی «فرشکرد» و نوزایی و تجدید حیات طبیعت در بهار و همچنین مرگ عرفانی و تولد دوباره جان آدمی، الهام بخش برای استعاره پردازی می باشد تا همان گونه که گیاهان در طبیعت، پس از یک دوره رکود زمستانی، در آغاز فصل بهار شروع به رویش و نوزایی دوباره می کنند یا حیواناتی همچون مار با پوست اندازی ظاهری تازه همراه با فعالیت و رشد مجدد به خود می گیرند، سازمان ها و افراد نیز نیاز به احیاء و تجدید قوا دارند. مهارت آموزی و دانش افزایی مداوم با کمک فناوری های نوین موجب می شود تا حرفه و سازمان مورد نظر با حفظ کارایی خود، از خطر کهنه شدن در ابعاد مختلف جلوگیری کرده و بتواند خود را همگام با تغییرات محیط و جامعه به روزرسانی و تجدید حیات نماید. دقت در نقاط نیازمند تجدیدشوندگی و جذب نیروهای کمک کننده به نقاط تجدیدشونده و به کارگیری فن آوری جدید و روش های ابتکاری جهت ایجاد تغییر از جمله تکنیک های ایجاد مدیریت تجدیدشونده و احیاء تجدید حیات سازمان می باشد. تمرین نو شدن و از نو به تماشا ایستادن و از نو دیدن و مشاهده کردن، آشکار می سازد که کهنگی ها و پوسیدگی ها از میان می روند و جشن نوروز تنها جامه نو به تن کردن آدمیان همراه با تحول طبیعت نیست، بلکه درون جان و خویشتن را نو کردن و نو شدن و قدم گذاشتن به ساحتی نو از آگاهی، از مهم ترین پیام های نوروز و بهار است.

روز نو و شام نو، باغ نو و دام نو

هر نفس اندیشه نو، نو خوشی و نو غناست

نو ز کجا می رسد، کهنه کجا می رود

ورنه ورای نظر، عالم بسی متهاست

منابع و مآخذ

- اردستانی، رستمی. حمیدرضا (۱۳۹۴)، زروان در حماسه ملی ایران، تهران، نشر و پژوهش شیرازه کتاب
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۴)، خلق مدام در عرفان اسلامی و آیین بودایی ذن، ترجمه منصور کاویانی، تهران، علمی و فرهنگی
- بیچرانلو، عبدالله؛ پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۲). کارکردها و کژکارکردهای بازگشت معنایی استعاره‌ها؛ مطالعه موردی مفهوم میان رشته‌ای مهندسی فرهنگی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۱۲۱-۱۰۱.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷)، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران، نشر امیرکبیر، صص ۳۲۵
- پرومیچچ (۱۳۸۷) آینده پژوهی و مدیریت آینده. ترجمه عباداله حیدری. تهران. مرکز آینده پژوهی و اطلاع رسانی.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۲۱)، مقاله «نام‌های دوازده ماه»، مجله مهر، سال ۷، شماره ۱
- پورعزت، علی اصغر. روزبهرانی، خدیجه. طاهری عصار، غزاله. سعد آبادی، علی اصغر (۱۳۹۳)، سازمان به مثابه ققنوس: تأملی بر زندگی و مرگ سازمان‌های اجتماعی (مورد مطالعه: جهاد سازندگی)، نشریه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، دوره ۶، شماره ۳، صص ۴۳۶-۴۱۹
- ترابی، سیده آرزو و سید امیر. ولی زاده دستجرد، حبیب (۱۳۹۳)، تأثیر رهبری تحول آفرین بر خلاقیت و نوآوری کارکنان سازمانی، دومین کنفرانس بین المللی مدیریت، چالش‌ها و رویکردها، شیراز (۲۰۱۵)
- جلال الدین محمد (۱۳۷۸)، مثنوی معنوی، چاپ نیکلسون، به کوشش ناهید شادمهر، نشر محمد
- جلالی مقدم، مسعود (۱۳۸۴)، آئین زروانی، مکتب فلسفی عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان، تهران، انتشارات امیرکبیر
- حاتمی، هادی (۱۳۹۱)، سیمرغ در آثار مولانا، فصلنامه‌های علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی «ادب و عرفان»، صص ۶۲-۴۷
- حجازی، بهجت السادات (۱۳۸۸)، بازآفرینی اسطوره‌های سیمرغ و ققنوس، مجله علمی- پژوهشی مطالعات عرفانی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، شماره ۱۰، صص ۱۴۸-۱۱۹
- حمیدی، ناصر. حافظی، محمد اسماعیل. حاج سید تقی، سید علی (۱۳۹۲)، مدل سازی سازمانی با استفاده از علم مهندسی سازه، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، دوره ۶، شماره ۱۹
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۷)، مدیریت تحول با رویکرد همبالی، آموزه‌هایی از شیوه رهبری هدهد در منطق الطیر عطار، نشر فوژان
- دباغ، حسین (۱۳۹۳) مجاز در حقیقت، ورود استعاره‌ها در علم. تهران. نشر هرمس
- دوستخواه، جلیل (۱۳۸۶)، نوروژ؛ جشن نوگردانی جهان و زندگی و آئین نمادین رستاخیز، روزنامه امرداد، سال ۸، ۱۳۸۶/۱۲/۱۹
- رجبی، پرویز (۱۳۷۵)، آیا جشن آبسالان پیوندی با جشن نوروز دارد؟ مجله چیستا، شماره ۱۳۷ و ۱۳۶. زاویه، رودگر، محمدجواد. ۱۳۸۸. استاد و راهنما در عرفان. پژوهش نامه اخلاق. ش ۶. صص ۱۳-۱۹
- زارع، کوروش. حکیم، اشرف السادات. نغامی، عبدالرضا. شفیعی، محسن (۱۳۹۷)، رابطه بین رهبری تحول آفرین با اشتیاق کاری در پرستاران، مجله علوم مراقبتی نظامی، سال ۵، شماره ۱، بهار ۹۷، شماره مسلسل ۱۵، صص ۷۱-۶۳
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، صدای بال سیمرغ، درباره زندگی و اندیشه عطار، تهران، نشر سخن
- سهروردی، شهاب الدین یحیی (۱۳۷۳)، مجموعه مصنفات، تصحیح سید حسین نصر، جلد ۳، چاپ ۲، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- عابدی، یوسف (۱۳۸۹)، حل خلاق مسئله با تفکر استعاری، سومین کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، TRIZ و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران عباسی، زهرا. خسروی، امین (۱۳۹۷)، بررسی مفهوم تکاملی مرگ در اشعار مولانا بر اساس نظریه استعاره شناختی مدل فرهنگی استعاره زنجیره بزرگ، دو فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی دانشگاه الزهرا (س)، سال ۹، شماره ۱۷
- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۸۴)، الهی نامه، پندنامه، اسرارنامه، به کوشش فرشید اقبال، تهران، انتشارات دُر

- عطار نیشابوری، فرید الدین (۱۳۸۴)، منطق الطیر، به اهتمام سید صادق گوهرین، چاپ ۲۳، تهران، علمی و فرهنگی
- عمر خیام نیشابوری (۱۳۱۲)، نوروزنامه، به اهتمام مجتبی مینوی، تهران، کتابخانه کاوه
- فاضلی، قادر (۱۳۸۱) رهبری و رهروی در منطق الطیر، مجله علوم سیاسی. شماره ۱۷
- کاتر، جان (۱۳۹۰)، هشت خوان، محمد ابراهیم محجوب، نشر فرا
- کاتر، جان بی. کوهن، دان اس (۱۳۸۴)، هشت خوان تحول، ترجمه محمد ابراهیم محجوب، تهران، نشر فرا
- کارنال، کالین (۱۳۷۶)، مدیریت تغییر، ترجمه امین الله علوی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- کرامت زاده، عبدالمجید (۱۳۹۵) نقش استعاره‌های شناختی در آینده پژوهی با تحلیل دیدگاه‌های سهیل عنایت الله. دوفصلنامه آینده پژوهی ایران، سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۴۰
- ملکی فر. عقیل (الفبای آینده پژوهی). تهران. کرانه علم.
- هاگمن، گیزلا (۱۳۸۰)، انگیزش و مدیریت تحول، ترجمه علی محمد گودرزی، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا
- هرسی، پال و کنت بلانچارد (۱۳۶۸)، مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه علی علاقه بند، تهران، انتشارات امیرکبیر
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۳)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، تهران، نشر اساطیر
- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹)، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، نشر دانشکده علوم توانبخشی
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۶۸)، چهار صورت مثالی، ترجمه پروین فرامرزی، مشهد، نشر معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی
- Chen.C.V.& Li, H.H.& Tang.y (2007) Transformatinal Leadership and creativing: Exploring the Mediating Effects of creative Thinking and Intrinsic Motivation, proceedings.Of the 13 th Asia pacific Management conference, Melbourne, Australia, PP 681-694.
- Gumusluoglu, L & A (2009) Transformatinal Leadership, creativing, and organizational innovation Journal of Business Research, 62, pp 73-461.
- Inayatullah.Sohail(2007)Questioning the future.tamkang university.taiwan.

یادداشت‌ها

1. Gumusluoglu et al
2. Possible, probale and preferable futures
3. Faravashi
4. Farvahar
5. Rebirth
6. Refresher management
7. Farshō- Kerety
8. Transformation
9. James V.Down
10. Macgregor Burns
11. Bernard.M.Bass
12. Transformatinal Leadership
13. Vision
14. Chen.Log tong
15. Kurt Lewin
16. Unfreezing
17. Moving
18. Refreezing

19. metaphor
20. Skewness-Statistic
21. Kurtosis- Statistic

Explaining the Transformational Leadership Model and Renewable Management with an Interpretive Futurology Approach to Iranian Culture and Mysticism

Rahnama Farid¹, Davood Kia Kojouri^{*2}, Mohammad Javad Taghi Pourian³, Saeed Islami⁴

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>eISSN: 2008-9775 pISSN: 2783-4565</p> <p>Received: 24 August 2021 Accepted: 6 December 2021</p> <p>Keywords: Interpretive Future Research, Transformational Leadership, Renewable Management, Nowruz Celebration</p>	<p>Organizational leadership is one of the most important and diverse topics in the field of organization and management. In the future, metaphorical argumentative research is not intended to predict but to gain insight. A new look at the phenomenon of the organization, an appropriate action and new horizons for its leadership and management is manifested. This research is based on a qualitative-quantitative method with a descriptive-analytical approach that seeks rich and important themes and concepts such as "Nowruz And "Farshkard", which originate from the culture of ancient Iran, should be used in metaphors of transformational leadership and renewed management. To revive and revitalize. Therefore, the metaphor of spring transformational leadership and renewable management based on the Iranian themes of "Nowruz", "Pomegranate and Phoenix" and "Farshkard" can be used based on Iranian themes and a native pattern can be used.</p>

Please cite this article as: Farid, Rahnama., Kia Kojouri, Davood., Taghi Pourian, Mohammad Javad., Islami, Saeed., (2022). Explaining the Transformational Leadership Model and Renewable Management with an Interpretive Futurology Approach to Iranian Culture and Mysticism. *Journal Behavioral Studies in Management*. 12(28), 105-127. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.20089775.1400.12.28.7.7>



Creative Commons: [CC BY-SA 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-sa/4.0/)



<http://dorl.net/dor/20.1001.1.20089775.1400.12.28.7.7>

Publisher: Islamic Azad University North Tehran Branch

*** Corresponding Author:** Davood Kia Kojouri

Email: davoodkia@iauc.ac.ir

-
1. PhD Student, Department of Public Administration, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. rahnamafarid2@gmail.com
 2. Associate Professor, Department of Public Administration, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. davoodkia@iauc.ac.ir
 3. Assistant Professor, Department of Public Administration, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. mj.pourian@iauc.ac.ir
 4. Associate Professor, Department of Political Science, Chalous Branch, Islamic Azad University, Chalous, Iran. eslameesaed44@gmail.com
-